

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۳

صفحات: ۷۱-۸۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۳/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۷

بررسی نقش زن در یهودیت

معصومه عزیزی خادم*

علی یار حسینی**

چکیده

در کتاب مقدس (تورات) از ابتدای آفرینش و پس از خلقت مرد، حضور زن نمایان است. زنان یهودی از انجام برخی مراسم مذهبی در زمان‌های خاص مانند: بستن تفیلین (پیشانی بند مخصوص نماز) یا خواندن دعای شمع (تأکید بر وحدانیت خداوند) منع شده اند؛ اما بقیه وظایف دینی را باید همانند مردان انجام دهند. یهودیان اوج کمال زن را رسیدن به مرحله‌ی مادر شدن می‌دانند. یهودی بودن از مادر به ارث می‌رسد، اما فرزندان را با اسم پدر می‌خوانند. برای رعایت حقوق زن پس از ازدواج، داماد سندی به نام کتوبا را امضا می‌کند. اگر بین زن و مرد سازگاری وجود نداشت آنها می‌توانند از هم جدا شوند. طلاق در آیین یهودیان زمانی واقع می‌شود که مرد یک گت (طلاق نامه) را به همسرش تحویل دهد. چنانچه زنی زناکار باشد، طلاق دادن او جزء واجبات به شمار می‌آید.

کلید واژگان: یهودیت، تورات، زن، کتوبا، گت.

*دانشجو دوره دکتری رشته تصوف و عرفان اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب قم، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد امام رضا(ع)

قم (نویسنده مسئول) m.azizi1390@yahoo.com

**عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مسجد سلیمان، Hoseini.mis@gmail.com

مقدمه

زن بخشی از تجلی صفات جمالی خداوند است که به صورت فطری موجودی سرشار از عشق، عاطفه، زیبایی و... می باشد. از نظر لغوی در دائرة المعارف علی اکبر دهخدا واژه زن را این چنین بیان نموده است: «زن از زادن است و زندگی نیز از زن است و زن و زادن هم ریشه اند و مادینه انسان است یعنی بشر ماده. و با ژینای یونانی از یک اصل است.» (دهخدا ج ۲۷، ۱۳۷۳: ۴۵۶). با وجود تعاریف مختلف و متفاوت در مورد زن تا اندازه ای ویژگی های ذکر شده را برای زنان حتمی می دانند.

با نگاهی به موقعیت زن در تمدن های مختلف، در ادیان توحیدی به ویژه، اسلام و یهودیت از مقام رفیعی برخوردار است. زیرا این ادیان زن و مرد را مکمل همدیگر می دانند و وجود زن بدون مرد و مرد بدون زن را ناقص می شمارند. در متون مقدس این نکته ذکر گردیده که از ابتدای آفرینش این دو موجود با هم بوده و جدایی آنها را لاینفک می دانند. هر چند که در این متون نوع حضور و آفرینش زن تفاوت هایی دارد اما با این حال از همان آغاز خلقت در کنار مرد بوده است. برخی با اشاره به این موضوع که زن پس از مرد آفریده شده و خداوند زن را برای آرامش مرد آفریده، مرد را از نظر خلقت از زن برتر می دانند. در این پژوهش از نگاه دین، متون شرعی و فقهی یهودیان، جایگاه والای زن را در ازدواج، طلاق، خانواده و اجتماع مورد بررسی قرار داده است.

جایگاه زن در کتاب مقدس

در کتاب مقدس از همان ابتدای آفرینش و پس از خلقت مرد حضور زن به چشم می خورد. در تورات (سفر پیدایش) روزششم پس از آفرینش جهان و آدم «خداوند فرمود: شایسته نیست آدم تنها بماند. باید برای او یار مناسبی به وجود آورم.» آنگاه خداوند همه حیوانات و پرندگان را که از خاک سرشته بود، نزد آدم آورد تا ببیند آدم چه نام هایی بر آن ها خواهد گذاشت. بدین ترتیب تمام حیوانات و پرندگان نامگذاری شدند. پس آدم تمام حیوانات و پرندگان را نامگذاری کرد، اما برای او یار مناسبی یافت نشد. آنگاه خداوند آدم را به خواب عمیقی فرو برد و یکی از دنده هایش را برداشت و جای آن را با گوشت پر کرد، و از آن دنده، زنی سرشت و او را پیش آدم آورد. آدم گفت: «این است استخوانی از استخوانهایم و گوشتی از گوشتم. نام او "نسا" باشد، چون از انسان گرفته شده است.» به این سبب است که مرد از پدر و مادر خود جدا می شود و به همسر خود می پیوندد، و از آن پس، آن دو یکی می شوند.» (سفر پیدایش باب ۲: آیات ۲۴-۱۸)

بسیاری از منتقدین از یهودیان می پرسند: چرا خدا زن را از دنده آدم آفرید؟ پاسخ آنها در این گفتار شرح داده شده است: «خداوند این نکته را مورد توجه قرار داد که زن را از کدامین عضو آدم بیافریند. او فرمود: من زن را از سر آدم نمی آفرینم، تا آن که سبکسر نگردد و سر خود را از روی نخوت و غرور بالا نگیرد، نه از چشم، تا آن که بسیار کنجکاو نباشد و نه از گوش، تا آن که استراق سمع نکند و سخن چین نشود. و نه از دهان، تا آن که پرحرف و وراج به بار نیاید. و نه از دل، تا آن که حسود نشود. و نه از دست، تا آنکه هرزه دست نشود. و نه از پا، تا آن که ولگرد نباشد. من زن را از قسمتی از

بدن آدم که همواره پوشیده و نهفته است می آفرینم تا آن که موجودی محبوب و عقیف به بار آید. «(برشیت ربا، ۱۸: ۲ یا ۳).

یهودیان طبق متن تورات در سفر پیدایش علت خوردن آدم و زنش از درخت ممنوعه، را فریب خوردن زن از مار می دانند و معتقدند که علت سرپیچی آدم از نهی خداوند نیز زنش بوده است: خداوند فرمود: «... آیا از میوه آن درختی خوردی که به تو گفته بودم از آن نخوری؟» آدم جواب داد: «این زن که یار من ساختی، از آن میوه به من داد و من هم خوردم.» «آنگاه خداوند از زن پرسید: «این چه کاری بود که کردی؟» زن گفت: «مار مرا فریب داد.» «سفر پیدایش باب ۳: آیات ۱۳-۱۱) با وجود اعتقاد به گناهکاری زن در گناه نخستین انسان در کتاب مقدس از زنان بسیاری به نیکی یاد کرده از جمله استر همسر خشایارشا پادشاه ایران زمین. این بانوی یهودی که در جایگاه ملکه ایرانیان به تخت نشسته بود با استفاده از محبت شاه نسبت به خود جان بسیاری از هم کیشان خود را نجات داد. صرف نظر از برخی زنان که در کتاب مقدس از آنان به زشتی یاد شده در نهایت نگرش این کتاب به جنس مونث نگرشی توأم با احترام است. بنابراین یهودیان زن را به عنوان موجودی باوقار، پاکدامن، باحیاء، همسر دوست و... در زندگی می پذیرند.

عبادت زنان

در عبادتگاه یهودیان معمولاً رسم بر این است که زنان از مردان جدا باشند. این یکی از رسوم بسیار کهن آنهاست. «به طور سنتی مردان و زنان در اورشلیم جداگانه دعا می خوانند و در کشت^۱ بین قسمتی که مخصوص نشستن زنان و مردان است، حائلی قرار دارد. مطابق با تلمود^۲ این جدایی به روزهای هیکل در اورشلیم باز می گردد. این تفکیک اجباری است چرا که زنان مانع برگزاری مراسم دعا هستند. از زنان برخلاف مردان انتظار نمی رود که در مراسم روزانه شرکت جویند.» (بوکر^۳، ترجمه اورازانی و حسینی ۱۳۸۹: ۱۳۲)

در طراحی هیکل اورشلیم در قرن نوزدهم میلادی برای زنان صحن مخصوص درست کرده بودند که بعد از صحن مردان قرار داشت. زنان یهودی از انجام برخی مراسم در زمان های خاص مثلاً: به سر بردن در سایبان (سوکا) در شب ها و روزهای عید سوکوت (عید سایه بان ها)، بستن تفییلین^۴ یا خواندن دعای شمع (تأکید بر وحدانیت خداوند) منع شده اند اما بقیه وظایفی را که مقید به زمان خاصی نیستند باید همانند مردان انجام دهند. طبق این آیه: «اینها قوانینی هستند که تو در جلوی ایشان خواهی گذاشت.» (تورات، سفر خروج، باب ۲۱: آیه ۱)

زنان یهودی که دوست داشتند پایه پای مردان وظایف دینی خود را انجام دهند، با وجود حضور در

۱. مرکز یهودیان برای عبادت و آموزش تورات

۲. لغوی به معنای تعلیم و آموزش و در اصطلاح کتاب قانون و شریعت شفاهی یهودیان.

۳. Bowker, John

۴. پیشانی بند و بازو بند مردان یهودی در نماز صبحگاه

عبادت گاه هرگز مینیان^۱ محسوب نمی شدند. این مورد یکی از موارد تفاوت میان جنس مذکر و مونث در قوم یهود است. البته ناگفته نماند که حضور زنان نزد یهودیان اصلاح طلب مینیان به حساب می آمد. «مسئولیت یک زن رتق و فتق امور خانه ی مرد یهودی و پرورش دادن فرزندان وی مطابق با شیوه ی سنتی است. زیرا یهودی بودن از مادر به ارث می رسد. (بوکر، ترجمه اورازانی و حسینی ۱۳۸۹: ۱۳۲) دختران یهودی یک روز بعد از دوازده سالگی به سن تکلیف می رسند اما برخلاف پسران که برای آنها جشن خاصی می گیرند، هیچ جشنی برایشان برگزار نمی کنند. یکی از محققین (ایستاین^۲) دلیل این تفاوت در برگزاری جشنی برای دختر و پسر را این گونه ذکر کرده است: «چون در فقدان دستورها و احکام ایجابی در مورد دختران، مراسم پذیرش در دین به معنای یهودی کلمه موضوعیت چندانی ندارد. با این حال، برخی جوامع جدید، نوعی پذیرش عمومی یا مراسم تقدیس را برای دخترانی که به سن بلوغ رسیده اند اختیار کرده اند، که در بیشتر موارد در جشن نزول تورات (عید پنجاهه) برگزار می شود. (ایستاین، ترجمه سالکی، ۱۳۸۸: ۲۰۴)»

در یهودیت برای زنان و مردان قوانین مشخصی وجود دارد، با وجودی که یهودی بودن از مادر به ارث می رسد اما فرزندان را با اسم پدر می خوانند مثل: «اسحاق پسر ابراهیم یا دنیا دختر یعقوب. تولد یک پسر با مراسم ختنه که مراسمی سخت است جشن گرفته می شود. تولد یک دختر نیز به هنگام اجرای مراسم معمولی عبادی با دعای خیر یک کودک خبر داده می شود. (بوکر، ترجمه اورازانی و حسینی ۱۳۸۹: ۱۴۲)»

یهودیان از داشتن فرزند مؤنث ناراحت و از تولد فرزند مذکر بسیار خوشحال می شدند، با وجود این تفاوت بین فرزندان، پدر و مادر یهودی موظف بودند که پس از تولد فرزندان بدون تبعیض قائل شدن میان آنان، با تمام قوا با مهر و محبت در تربیت آنها بکوشند. یکی از ربن ها (عالمان دینی) دستور داده است که: «اگر باید طفلی را بزیند، برای این کاربند کفشی به کار ببرید. طبق تعالیم دیانت یهود، پدر و مادر، در راه تعلیم و تربیت طفل، نباید از هیچ گونه فداکاری دریغ ورزند، و غرض از این یعنی تربیت ذهن و پرورش خصال است از راه فهم شریعت و پیغمبران. (دورانت^۳ (a) ۱۳۶۸ ترجمه صارمی و طاهری، ج ۴: ۴۵۹)»

اهمیت نقش زن در خانواده یهودی غیرقابل انکار است. اما در عین حال مردان آنها هر روز دعایی تکرار می کنند که نشان دهنده حقارت جنس زن در میان آنان است و یهودیان را مورد نقادی مخالفین قرار می دهد. این دعا چنین است: «انسان موظف است که هر روز این سه دعای برکت را بخواند، متبارک است خدایی که مرا یهودی خلق کرد، که مرا غلام نیافرید و که مرا زن نیافرید. (کهن^۴ مؤلف کتاب گنجینه ای از تلمود در رد هر گونه تحقیر و توهین زنان در مورد این دعا می نویسد: «مقصود اصلی آن است که مرد یهودی باید سپاسگزار باشد که این امتیاز به او داده شده است که می تواند کلیه

۱. حد نصاب برای برگزاری نماز جماعت که متشکل از ده مرد است

۲. Epstein, Isidore

۳. Will, Durant

۴. Cohen, Abraham

فرامین تورات را به جای آورد. در این مورد، مسؤولیت مرد از مسئولیت زن بیشتر است. زیرا با توجه به وظیفه خطیری که زن در زندگی خانوادگی دارد، تورات وی را از اجرای بعضی از فرایض دینی معاف کرده است، در حقیقت، اگر زن نفوذ خود را به کار برد تا آن که شوهر و فرزندانش هرچه بیشتر در تحصیل تورات و اجرای فرامین آن که خود در نتیجه اشتغال به امورخانه داری از آن محروم است توفیق حاصل کنند، ثواب و اجر عظیم آن متعلق به اوست. «(کهن، صدری، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

جایگاه زن در خانواده

خانواده در میان قوم یهود از منزلتی بالا برخوردار است. خانه مهم ترین مکان برای پرورش کودکانی است که می توانند اولاً: تداوم بخش حیات خانوادگی زوجین باشند، ثانیاً: نقشی که خداوند برای نجات بشر بر عهده قوم بنی اسرائیل گذاشته، ایفا کنند. در ده فرمانی که حضرت موسی (ع) برای آنها آورده، خانواده در فرمان پنجم تقدیس و اساس اجتماع شناخته می شود در گذشته پدر عبرانی بر بقیه افراد خانواده تسلط داشت. او می توانست دختران صغیر خود را، حتی بدون رضایت آنها شوهر دهد؛ ولی اگر دختران به سن تکلیف می رسیدند و به ازدواج با شخص منتخب پدر راضی نبودند؛ می توانستند آن را فسخ کنند. در میان یهودیان این عقیده رواج دارد که: «پسرنجاج بیضه راست، و دختر نجاج بیضه چپ است، و معتقد بودند که بیضه چپ کوچکتر و ضعیفتر از بیضه راست است.» (دورانت، (b)، ترجمه آرامی و پاشایی ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۸۸)

میدراش^۱ زن آرمانی را زنی می داند که خواست شوهرش را انجام دهد. ابن میمون می نویسد: «حکیمان به زن [یهودی] فرمان داده اند که باید در داخل خانه خویش با حجب و حیا باشد، و نباید پیش شوهر خود زیاد سبکسری کند... همچنین حکیمان به شوهر دستور داده اند که زن را بیش از حتی خودش احترام کند و او را همانند خود دوست داشته باشد... و باعث نشود که زن بیش از اندازه از او بترسد، سخن گفتن او باید با ملایمت بوده و نباید زودرنج یا تندخو باشد. آنان همچنین به زن دستور داده اند که باید بسیار شوهرش را احترام کند و باید از او بترسد.» (آنترمن^۲، ترجمه فرزین، ۱۳۸۵: ۳۰۶)

با وجود تسلط پدر یا شوهر بر زن یهودی نام بسیاری از آنها در طول تاریخ ذکر شده که از احترام و اقتدار زیادی برخوردار بودند، از جمله این زنان: «زن هایی هم چون سارا، راحیل، مریم و استر هستند. دבורه، زنی است که در عین حال از قضاوت بنی اسرائیل بود، و حلدۀ زن دیگری است که یوشیا، در باره کتابی کهنه که در هیکل یافته بودند، با وی مشورت کرد.» (دورانت، ۱۳۶۷ (b)، ترجمه آرامی و پاشایی ج ۱: ۳۸۸)

فرمان یهوه در تورات کتاب سفر پیدایش به زن شوهردار چنین است: «... مشتاق شوهرت خواهی بود و او بر تو تسلط خواهد داشت.» (پیدایش باب ۳: آیه ۱۶) بنابراین اگر دلیل برتری جویی مردان بنی اسرائیل و ادعای تسلط آنها بر خانواده را برگرفته از تفاسیر بعضی آیات کتاب مقدس و عوامل دیگر

۱. تفسیرهای روایی تلمود و تورات

۲. Unterman

چون: عوامل اقتصادی، اجتماعی برشمرده، دور از ذهن نیست.

با توجه به نظام اجتماعی و اقتصادی یهودیان و نیز حق مالکیت مردان بر زنان، آنها تا حد زیادی از این حق خود چشم پوشی می کردند: «مرد یهودی از این لحاظ به صورت انسانی جلوه گر می شود که به زن و فرزندان خود کمال محبت و علاقه را دارد. اگرچه پایه زناشویی با عشق گذاشته نمی شد، غالباً پس از زناشویی چنین عشق و محبتی فراهم می آمد: «واسحاق، رفته را به خیمه مادر خود سارا آورد و او را به زنی گرفته، دل در بست؛ و اسحاق بعد از وفات مادر خود تسلا یافت. شاید در هیچ جای دنیا، به استثنای شرق دور، زندگی خانوادگی به این درجه بلندی، که یهودیان به آن رسیده بودند، نرسیده باشد.» (دورانت، (b) ۱۳۶۷، ترجمه آرامی و پاشایی ج ۱: ۳۹۲)

خصوصیات زنان یهودی در قرون وسطی را این چنین بیان کرده اند: «زنان ایشان که از زیباترین زنان قدیم به شمار می روند، به گونه های خود غازه (نوعی وسیله آرایشی) می مالیدند و در چشم سرمه می کشیدند و خود را با همه گونه جواهر و زینت می آراستند، و از روش های تازه آرایش بابل و نینوا و دمشق و صور پیروی می کردند.» (دورانت، (b) ۱۳۶۷، ترجمه آرامی و پاشایی ج ۱: ۳۵۵)

ویل دورانت همچنین می افزاید که: زنان یهودیان دوشیزگانی محبوب، همسرانی کوشا، مادرانی پرزا و امین بودند؛ از آنجا که زود وصلت می کردند، فحشا به حداقل تخفیف پیدا می کرد. عده مردانی که تأهل اختیار نمی کردند کم بود. (دورانت، (a) ۱۳۶۸ ترجمه صارمی و طاهری، ج ۴: ۴۸۵)

وی همچنین یهودیان را تنها نژادی می داند که نسبت به معاصران خود به صورت خالص مانده بودند و دلیلش را این مطلب می داند که مردان یهودی در مقایسه با بقیه اقوام شرقی تبار به طرز قابل توجهی منزله از خطا بوده و از آمیزش جنسی با اقوام دیگر خودداری می کردند.

دوره قاعدگی

یهودیان برخلاف اکثر قدام که به هنگام عادت ماهانه زنان را پلید می شمردند و از آنها کناره می گرفتند، این اندیشه را نداشتند، هر چند که آنها نیز در این دوره از زنان جدا می شدند. آرمسترانگ^۱ که خود خانمی مسیحی است، در این رابطه نوشته است که: «ممنوعیت رابطه ی جنسی به هنگام عادت ماهانه از آن رون بود که زن را ناپاک یا پلشت می دانستند. این دوره ی پرهیز را برای آن مقرر کرده بودند تا مرد گمان نکند هر وقت که می خواهد می تواند با همسرش نزدیکی کند. تورات مقرر کرده که زن باید Niddah [به لحاظ جنسی دست نیافتنی] باشد به مدت هفت روز پس از عادت تا سپس به مانند روز عروسی برای مرد دلنشین باشد.» (آرمسترانگ، ترجمه سپهر ۱۳۸۷: ۹۵)

علاوه بر محدودیت جنسی نیدا (زن در عادت ماهانه) در اوایل دوران معبد محدودیت های دیگری از جمله تماس زنان با هر چیز و ناپاکی آن تأکید می شود. اما در حال حاضر نیدا فقط بر عدم حضور زنان در کنیسا (محل عبادت یهودیان) و همچنین در نمازها مربوط می شود. برخی حتی نگاه کردن زن به

۱. Armstrong, Karen

طومار باز کرده تورات و آیات آن را منع کرده که بسیاری آن را قبول ندارند. در رسوم یهودیان زن پس از هفت روز باید در میقوه^۱ غسل کند. البته در حال حاضر به استثنای برخی گروه‌های راست کیش اکثر آنها میقوه‌ای برای انجام غسل دینی آن هم به شکل قدیمی ندارند. خانواده‌های یهودی راست کیش با همان نگاه سنتی و قدیمی به زنان خود می‌نگرند، اما یهودیان اصلاح‌گرا با توجه به زمان و شرایط کنونی با زنان خود رفتار می‌کنند (آنترن، ترجمه فرزین ۱۳۸۵: ۳۰۰).

ازدواج

در یهودیت برخلاف مسیحیت که ازدواج را منفور شمرده و صرفاً برای دفع افسد به فاسد آن را می‌پذیرفتند، ازدواج را امری بسیار مهم و مقدس شمرده و هدف آن را تنها تولیدمثل و ازدیاد نسل نمی‌دانند، بلکه علاوه بر این هدف، عفت، پاکدامنی و همچنین وفاداری بر پایه اتحاد و همبستگی بین زن و مرد استوار است. در فرمان هفتم ازدواج به عنوان پایه و بنیان خانواده ذکر شده است. دختر و پسر نباید پیش از ازدواج روابط جنسی داشته باشند، اگر دختر پیش از ازدواج با مردی بیگانه رابطه داشته و دوشیزگی خود را از دست داده باید او را سنگسار کنند. «فرمان هفتم زنا را منع می‌کند. زنا، مُحَصَنه (داشتن رابطه‌ای ورای زناشویی) در نسبت با زنا، غیر محصنه (داشتن رابطه‌ای جنسی قبل از ازدواج) بسیار مکروه است. به همین دلیل است که به طور سنتی یهودیان در سنین بسیار پایین ازدواج می‌کنند. همچنین زنا می‌تواند مشروعیت کودکان را زیر سؤال ببرد.» (بوکر، ترجمه اورازانی و حسینی ۱۳۸۹: ۱۲۸)

ازدواج در میان یهودیان به روش کهن معمولاً از طریق خرید و فروش بوده است. «یعقوب لثیه و راحیل را با کار خویش خریداری کرد، و بوعز نیز با دسترنج خویش روت زیبا را به چنگ آورد. هوشع نبی سخت از آن پشیمان بود که چرا همسر خود را پنجاه شکل (واحد پول) خریده است. نامی که عبرانیان به زن و همسر می‌دادند بلهه بود که معنی «مملوک» دارد. پدر عروس، در مقابل مهری که به عنوان بهای دختر خود دریافت می‌داشت، او را به داماد واگذار می‌کرد؛ این، خود برای از میان بردن فاصله‌ای که میان بلوغ، جنسی و بلوغ اقتصادی جوانان ممکن است وجود پیدا کند و اسباب خرابی اجتماع باشد، وسیله بسیار سودمندی به شمار می‌رفت.» (دورانت، (b) ۱۳۶۷، ترجمه آرامی و پاشایی ج ۱: ۳۹۱)

قید خرید و فروش مناسب نیست تا از آن برای ازدواج استفاده شود، اما پدران نیز حق داشته‌اند که برای تضمین زندگی دختران خود و همچنین به دست آوردن اموالی هرچند کم برای ازدواج دخترانشان شرایطی را تعیین کنند. یهودیان افراد را به ازدواج در بیست سالگی و حتی کمتر از آن تشویق می‌کردند. آنها نیز مانند اکثر مردم دنیا به زنانی که فرزندان بیشتری به دنیا می‌آورد احترام فراوانی می‌گذاشتند. سقط جنین و جلوگیری از آبستنی را بسیار زشت می‌دانستند. مردان عبری در صورت نازا بودن زن می‌توانستند چند زن (گاهی چهار زن) برگزینند؛ اما زنان جزء یک مرد نمی‌توانستند همسر دیگری داشته باشند. ابن میمون در مورد ازدواج‌های یهودیان قبل از آمدن شریعت ذکر کرده است: «پیش از

آمدن تورات، مرد زن را در بازار می‌دید و اگر هر دو با ازدواج موافق بودند او را به خانه می‌برد، و با او در خلوت آمیزش می‌کرد، و زن همسر او می‌شد. اما آنگاه که تورات داده شد به اسرائیل فرمان دادند که اگر مردی خواهان ازدواج با زنی است بایست او را در پیشگاه دو شاهد به عقد خود در آورد... اگر زن خواستار طلاق باشد نیاز به گت (برگه طلاق) خواهد داشت. «آنترمن، ترجمه فرزین ۱۳۸۵: ۲۲۱».

در میان ازدواجهای کهن مردان یهودی عشق و علاقه در انتخاب زن و همسر نیز دیده می‌شود. «یعقوب برای راحیل هفت سال خدمت کرد، و به سبب محبتی که به وی داشت در نظر وی روزی چند نمود.» (دورانت، (b) ۱۳۶۷، ترجمه آرامی و پاشایی ج ۱: ۳۹۱)

رین‌های یهودی که اساس حیات قوم بنی اسرائیل را بر پایه ازدواج و دیانت می‌دانستند برای کنترل روابط نامشروع جنسی و همچنین مهار کردن این غریزه دستوراتی را صادر می‌کردند. به طور مثال: «شخص باید از هر وضعی که شور و شهوات نفسانی را برانگیزد دوری جوید. نباید بیش از اندازه با زنان تکلم نماید و هرگز نباید، به هنگام راه رفتن، پشت سرزنی حتی زن خویش قدم بردارد...» (دورانت، (a) ۱۳۶۸ ترجمه صارمی و طاهری ج ۴: ۴۶۵)

در نظر آنان اوج کمال زن با رسیدن به مرحله مادر بودن و البته یک مادر کامل بودن است. زیرا همان گونه که ذکر شد، یهودی بودن از مادر به ارث می‌رسد. «زنی که چند فرزند می‌آورد مطمئن بود که مقام و احترامی پیدا کرده است، چه ملت کوچک یهودی پیوسته آرزوی آن داشت که عدد افرادش افزایش پیدا کند. (دورانت، (b) ۱۳۶۷، ترجمه آرامی و پاشایی، ج ۱: ۳۸۸)

در قوانین یهودی برای رعایت حقوق زنان پس از ازدواج، داماد موظف است که سندی به نام کتوبا^۲ را با چندین بند امضا کند که تضمین کننده حقوق زن در دوران زناشویی است یکی از این بندها که توسط داماد خوانده می‌شود این است: «آن چنان که شایسته شوهری یهودی است، وسایل معاش تو را تأمین می‌کنم، احترام را نگاه می‌دارم، حمایت می‌کنم و از تو دفاع می‌کنم» (اپستاین، ترجمه سالکی ۱۳۸۸: ۲۰۱)

تأمین امکانات مالی برای زنان به قدری اهمیت دارد که تعداد اندکی از رین‌های یهود می‌گفتند: «مرد باید اول خانه‌ای بسازد، پس تا کستانی راه بیندازد، آنگاه زن بگیرد.» (دورانت، (b) ۱۳۶۷، ترجمه آرامی و پاشایی، ج ۴: ۴۶۰)

البته اکثر علمای یهود با این فکر مخالف بودند زیرا در آن صورت ازدواج به تأخیر می‌افتاد و هرچه سن ازدواج بالاتر رود، فحشا در جامعه نمایان تر می‌شود.

در اسلام نیز ازدواج منوط به توانایی مال نیست و شاهد هستیم که پیامبر (ص) ازدواج‌هایی را که مرد حتی امکان برگزاری مراسم را از (نظر مالی) نداشت، ترتیب می‌دادند.

۱. کتابهای پنج گانه (اسفارخمسسه) و مجموعه دانش سنتی یهود.
۲. kethubah؛ پیمان ازدواج

ازدواج در میان یهودیان در زیر حویا^۱ با حضور والدین دیگر صورت می‌گیرد. پس از این مراسم در حضور دو شاهد حلقه‌های ازدواج ردوبدل می‌شوند برخی از یهودیان معتقدند که نباید به داماد حلقه داد زیرا به معنای پس دادن نشان اوست. پس از ذکر چند بند کتوبا با صدای بلند توسط داماد، خواندن هفت «دعای عروس» در کنار جام شراب است که مشتمل است بر: «حمد و ستایش خداوند به خاطر آفرینش زن و مرد و یاری و غمخواری آنها نسبت به یکدیگر و به خاطر مواهب شادی‌ها و شکرگزاری به خاطر پیوند دادن، آرزوهای قلبی عروس و داماد با آمال مسیحایی قوم یهود.» (اپستاین، ترجمه سالکی ۱۳۸۸: ۲۰۲)

سپس عروس و داماد جام‌های شراب را به نشانه‌ی همراهی و یکی شدن در طی زندگی آینده می‌نوشند. در پایان مراسم داماد به یاد تخریب معبد و یاد آوری سوگند یهودیان مبنی بر اینکه حتی در شادی نباید اورشلیم را فراموش کنند، لیوانی را می‌شکنند.

طلاق

با وجود تأکید فراوان یهودیان بر قداست ازدواج، در صورتی که بین زن و مرد سازگاری وجود نداشت آنها می‌توانند از هم جدا شده و طلاق بگیرند. طلاق در آیین یهودیان زمانی واقع می‌شود که مرد یک گت (get) را به همسرش تحویل دهد. «گت یک اصطلاح میثناپی برای چیزی است که تورات آن را سفیر کريتوت^۲ seferkritut می‌نامد، که اساساً یک یادداشت مکتوب است.» (سالتر^۳، ترجمه طالبی دارابی ۱۳۸۳: ۱۹۹)

گت در واقع نشان دهنده آزادی زن برای ازدواج با هر مردی که بخواهد و مجاز بودن او در این مورد می‌باشد. مردی که زنش را طلاق داده به هیچ عنوان حق ندارد در گت او را از ازدواج مثلاً با فلان مرد ممنوع کند. یکی از شرایط تدوین گت این است که نباید قیودی ذکر شود تا زن را حتی بعد از طلاق به شوهر سابق اش متعهد نماید. در تنظیم گت باید دقت زیادی شود البته هر فردی می‌تواند با توجه به شرایط خاص خود آن را بنویسد. «تلمود بر طبق مفاد سفر تثنیه باب ۲۴، آیه ۱-۴ مزار که (گت) را جایز می‌داند که به همسر آزادی می‌دهد که دوباره ازدواج کند. چند همسری اگرچه بر اساس قوانین کتاب مقدس یا تلمود ممنوع نیست، اما از قرن یازدهم، مگر در میان شمار اندکی از جوامع یهودی در کشورهای مسلمان، از راه حکم تکفیر (حرام) که در پاسخ به حس اخلاقی درونی یهودی وضع گردیده که پیش‌تر در دوره تلمودی آشکارا از ازدواج‌های چند همسری احساس انزجار می‌کرد، غیرقانونی اعلام شده است.» (اپستاین، ترجمه سالکی ۱۳۸۸: ۲۰۲)

با وجودی که یهودیان در دوره بعد از تلمودی بسیار به سر و وضع پوشش زنان خود اهمیت می‌دادند و آنها را با زیورآلات می‌آراستند؛ اما «به آنها اجازه نمی‌دادند که با سرعریان به میان مردم

۱. chuppah؛ سایبان

۲. طلاق نامه

۳. Saltz

روند. نپوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکب را مستوجب طلاق می ساخت. از جمله تعالیم شرع یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش پیداست دست دعا به درگاه خدا بردارد. « (دورانت، (a) ۱۳۶۸ ترجمه صارمی و طاهری ج ۴: ۴۸۴)

گت را حتماً باید دو شاهد امضا کند. این سند باید با اختیار طرفین پذیرفته شود اما در عین حال زن می توانست آن را نپذیرد البته زن نمی تواند شوهرش را طلاق دهد، دلایلی که زن یهودی امکان درخواست طلاق داشت، عبارت اند از: «عهدشکنی شوهر، عقیم بودن او، ناتوانی از برقراری رابطه جنسی، منع زن از استقلال اقتصادی، رفتار ظالمانه، بی دینی و مانند اینها. اگر بت دین^۱ به نفع زن حکم کند آنگاه شوهر را مجبور می کنند که با طلاق موافقت کند. در دوران باستان شوهر را می زدند تا راضی به طلاق شود.» (آترمن، ترجمه فرزین، ۱۳۸۵: ۲۴۵)

در میان یهودیان اگر زنی زناکار بود، طلاق دادن او جزء واجبات به شمار می آمد. «نظر حوزه علمیه شمای آن بود که شوهر حق دارد زن خود را فقط در مورد ارتکاب زنا طلاق دهد. اما، به نظر پیروان مکتب هیلل، اگر شوهر هر چیز ناشایستی در مورد زن خویش می دید، حق طلاق داشت. در عهد تلمود نظر هیلل به سایر فتاوی غالب بود، و ربی عقیبا این حق را تا آنجا تعمیم داده بود که می گفت اگر شوهری زنی زیباتر از زن خویش بیابد، حق طلاق دادن اولی را دارد.» (دورانت، (a) ۱۳۶۸ ترجمه صارمی و طاهری ج ۴: ۴۶۱)

با وجود این همه آزادی برای مردان در طلاق دادن همسرانشان، ربن ها قوانین و تشریفات شرعی زیادی را برای منصرف کردن مرد از طلاق دادن زن قرار داده بودند. در بیشتر موارد طلاق، مرد را به پرداخت مهریه و تسلیم جهیزیه به زن وادار می کردند.

در میان دستورات مربوط به طلاق، یکی از وضعیت های دردسرساز زنی است که شوهرش بدون هیچ نشانی گم شده باشد. این زن را عگونا^۲ می خوانند، زیرا تا زمانی که اثری از شوهرش پیدا نشود، همچنان شوهردار است. هرچند که مراجع هلاخایی سعی خود را برای ازدواج مجدد این زن به کار می بردند اما تا زمانی که فوت شوهرش ثابت نمی شد، همچنان بلا تکلیف باقی می ماند. اما اینجا باز هم یک تفاوت بین زن و مرد دیده می شود زیرا اگر مردی زنش ناپدید شده باشد می تواند از هتر^۳ استفاده کند؛ و از صد خاخام این اجازه نامه را بگیرد. آترمن در این زمینه می نویسد: «البته فقط یهودیان اشکنازی چنین قاعده ای دارند. نابرابری در وضعیت مردان و زنان از جهت طلاق سنتی یکی از عمده ترین مایه های جدال میان یهودیت راست کیش و یهودیان مترقی بوده است... در این اواخر راه حل جدیدی توسط خاخام های محافظه کار اتخاذ شده است که متضمن به کار زدن قدرتی است که هلاخائیان دارند اما از آنها استفاده نمی کنند، و آن ملغا کردن ازدواج در صورتی است که مشکلی در رابطه با گت موجود باشد. زن و شوهر باید در زمان ازدواج بپذیرند که اگر روزی از طریق مدنی طلاق گرفتند اما شوهر از

۱. دادگاه شرعی یهودیان

۲. در زنجیر

۳. جواز

دادن گت به همسر ابا کرد ازدواج می تواند به دست مقامات دینی محافظه کاران العا شود. این گزینه در موارد مفقود شدن شوهر نیز کاراست. «آترمن، ترجمه فرزین، ۱۳۸۵: ۲۴۷) در مورد جنون و دیوانگی به جای آن که دلیل قطعی برای طلاق باشد؛ مانعی برای اجرای آن محسوب می شود. «اگر زنی دیوانه شود، شوهر نمی تواند او را طلاق گوید و اگر شوهری مبتلا به جنون شود، او نمی تواند با زن خود متارکه کند (میشنا یواموت، ۱: ۱۴) علت آن که زن دیوانه را نمی توان طلاق گفت این است که چون در صورت مطلقه شدن از داشتن حامی و سرپرست محروم خواهد ماند، بلاشک طعمه هوی و هوس افراد ناجنس و فاسد خواهد شد و یک شوهر مجنون نیز نمی تواند زن خود را طلاق گوید، چون که دادن گت یا طلاقنامه به دست زن باید عملی از روی فهم و هشیاری باشد. (کهن، صدری پور ۱۳۸۲: ۱۸۶)

جایگاه زن در تلمود

ربن های تدوین کننده تلمود با وجود طرفداری فراوان از مرد، زنان را از نظر عقل و خرد برتر از مردان می دانستند. در عین حال «به تفصیل تمام، از پرگویی زن اظهار تأسف می کردند و معتقد بودند؛ ده پیمانہ سخن از آسمان بر زمین نازل گردید؛ نه پیمانہ را زنان برداشتند و یکی را مردان. اعتیاد زنان به علوم خفیه [جادوگری] و به کار بردن سرخاب و سرمه نکوهیده می شمردند. موافق بودند که مرد باید برای پوشاک زن خویش سخاوتمندانه خرج کند، اما غرض آن بود که زن خود را برای شوهر خویش بیاراید، نه برای سایر مردها» (دورانت، ۱۳۶۸ (a) ترجمه صارمی و طاهری ج ۴: ۴۶۲) در دوره تلمودی مالکیت زنان بر اموال و دارایی خود، محدود بود و بیشتر به شوهرانشان تعلق داشت. تلمود بیشتر بر جادوگری در بین زنان تأکید می کند: «اکثریت زنان علاقه مند به جادوگری هستند» (سنهدرین، ۶۷ الف) و نیز ذکر شده: «آن کس که با زنان بسیاری ازدواج می کند، سحر و جادو را در خانه خود زیاد می کند.» (میشنا آووت، ۲: ۸) و این خصوصیت زنان را مورد نکوهش قرار می دهند و آنها را از این خصوصیت برحذر می کند.

تلمود زنان را در اموری مانند انجام دادن برخی احکام شرعی در ایام خاص، برگزاری نماز جماعت، زیارت و همچنین مشاغل اجرایی و قضایی منع می کند. مهم ترین مسأله ای که معافیت آن برای زنان بهای سنگین دارد؛ میسوای^۱ مهم آموختن تورات است زیرا نقش آن ها را در زندگی معنوی و فرهنگی یهودی که بر پایه مطالعه تورات و تفاسیر آن پی ریزی شده؛ کم رنگ جلوه می دهد. شاید با این معافیت یا ممنوعیت هایی که برای زنان در تلمود ذکر شده این گمان پیش آید که حتماً زنان یهودی در زندگی فردی و اجتماعی خود از اهمیت چندانی برخوردار نبودند اما تاریخ خلاف این موضوع را ثابت می کند. مثلاً «علت این که زنان از مطالعه و تحصیل معاف شده اند این نیست که حکما زنان را قادر به آموختن نمی دانستند؛ برعکس آنها معتقد بودند که زنان از درک و ذکاوت

۱. امر، فریضه دینی

بیشتری نسبت به مردان برخوردارند و راه را بر آن معبود زنانی که فرصت مطالعه و تحصیل داشتند، نمی بستند. یابن عززی معتقد بود که هر مردی باید تورات را به دخترش آموزش دهد. « (سالتر، ترجمه فرزین، ۱۳۸۳: ۲۰۶) »

در تلمود، بعضی از سخنان بزرگان از تبعیض میان فرزند دختر و پسر حکایت دارد. سخنانی از بن سیرا در تلمود نقل شده که کراهت او از جنس مؤنث را در گفتارش منعکس می کند. « دختر برای پدر گنجینه ای نگرانی آوراست. از نگرانی و تشویشی که همواره درباره او دارد، شب، همه شب بیدار است. وقتی دختر کوچک است، پدر می ترسد مبادا او را فریب دهند و بی عصمت سازند، هنگامی که به سن بلوغ می رسد، پدر بیم آن دارد که مبادا از راه عفاف منحرف می شود، وقتی که بزرگ شد، پدر در تشویش است که مبادا کسی او را به زنی نگیرد. و هنگامی که به خانه شوهر رفت، پدر این نگرانی را دارد که مبادا وی بی فرزند بماند، و چون پیر شد، پدر از این واهمه دارد که مبادا وی دست به جادوگری بزند. » (کهن، ترجمه صدری پور ۱۳۸۲: ۱۹۰)

در زمینه منع زنان از به عهده گرفتن مشاغل قضایی نباید این تصور شکل گیرد که آن ها به طور کامل از صحنه اجتماع کنار رفته و در امور اجتماعی دخالت نمی کردند. البته این نکته شایان ذکر است که دختران و همسران مردان برجسته در این امور و موارد دیگر تأثیر قابل ملاحظه ای داشتند. برای نمونه حکایت همسر دوم راوا و تأثیر او در امر قضا قابل توجه است: «همسر راوا، دختر را و حیسدا، در جلسه دادگاهی که در آن زنی قصد داشت سوگند ادا کند حضور داشت. به همسر راوا متذکر شد که آن زن را می شناسد و او را دروغ گو می داند. شوهرش ارزیابی او را پذیرفت و براساس آن رأی داد. این قضیه در میان حاضرین که تعدادی از آنها شاگردان راوا بودند، هیچ تعجب خاصی را برنمیگذاشت. » (سالتر، طالبی دارابی ۱۳۸۳: ۲۰۷)

تلمود، گرفتن چند همسر را برای مردان یهودی حتی تا چهار زن جایز می داند: «بنابر عقیده یکی از دانشمندان: مرد می تواند با چندین زن ازدواج کند، و این در صورتی است که قدرت تأمین مخارج همگی آن ها را داشته باشد. » (کهن، ترجمه صدری پور ۱۳۸۲: ۱۸۴) چند همسری در دروه تلمودی بین مردان عادی رایج بوده اما این کار در میان دانشمندان زشت و ناپسند شمرده می شد.

جایگاه زن در عرفان یهود

در میان عرفای یهود به خصوص در گذشته حتی یک زن عارف وجود ندارد. در صورتی که در اسلام و مسیحیت زنان عارف زیادی وجود داشته که شهرت جهانی دارند. شاید بتوان کنار زدن زنان از بعضی مراسم مذهبی یا موقعیت اجتماعی آنها را دلیل این عدم حضور دانست. اما گرشوم شولم (محقق و استاد در عرفان یهود) به هیچ عنوان نمی پذیرد که دلیل نبودن گرایش زنان به عرفان (آیین قبالا) در نتیجه موقعیت اجتماعی یا محرومیت حقوقی آنان در شرعیت تلمودی باشد. وی می نویسد: «انحصار وجهه مردانه در آیین قبالا نشان از آن دارد که این امر بیشتر مربوط به گرایش نمایان غلبه بر طبیعت اهریمنی زنان و عنصر کیهانی بوده است. ماهیت این سمبولیسم بر آن است که زن ظهور کیفیت ظرافت

و لطافت نیست بلکه تجلی داوری عبوسانه است. بر طبق آیین قبایلا خصلت اهریمنی زائیده قلمرو زنانه است. این منظر مستلزم نفی یا انکار قلمرو زنان نیست به رغم این، مفهوم قبایلی شخینا shekhina یا نور مطلق بر طبق تفکر یهودیت ارتد کسی، ریشه در نظر فوق العاده متناقض وار عنصر زنانه در ذات خدا دارد. (شولم^۱، ترجمه رادمهر، ۱۳۸۹: ۸۶)

پیروان قبایلا یا مردان قبایلی مایل نبودند که مکاشفات عرفانی خود را ترویج دهند که نشان از خصلت مردانه بودن آیین قبایلا دارد. نکته ای که قابل ذکر است، اصطلاح شخینا در این آیین است، شخینا بیشتر به معنای نور به کار برده می شود. اما در سنت قبایلا به منزله ملکه و همسر پادشاه الهی و اصل مؤنث مظاهر الهی است. «شخینا یا ملکوت به منزله دختر و ملکه عالم مظاهر الهی (سفیروت یا مراتب تجلی) است. در واقع شخینا، آخرین سفیروت، به صورت دختری است که هر چند زاد گاهش صورتی از نور است، اما باید آواره سرزمینهای دور دست باشد که نماد دور افتادگی او از اصل الهی خویش است... او نه تنها همیشه در رنج است، بلکه به صورت ملکه یا دختر یا عروس خداوند، مادر هر فرد اسرائیلی است.» (شنکایی، ۱۳۸۸: ۲۰۷) در کتاب زوهر^۲ شخینا را در شکل زنی که لباس سیاه پوشیده و کنار دیوار اورشلیم برای شوهر جوان خود گریه می کند؛ تصور کرده است. از آنجایی که این کتاب مظهر سمبول سازی است شخینا را مانند سمبول «زنانگی جاوادن» نشان می دهد.

بحث و نتیجه گیری

با وجودی که یهودیان را به برتری جویی افراطی مرد بر زن محکوم می کنند اما با جستجو در کتاب مقدس صرفنظر از اشکالاتی که به چشم می خورد در این کتاب از همان ابتدای آفرینش و پس از خلقت مرد حضور زن به چشم می خورد. با وجود این اعتقاد به مقصر بودن زن در انجام گناه نخستین انسان و تولد ابناء بشر با آن گناه اولیه در میان اکثریت یهودیان وجود دارد.

همانند پیروان ادیان دیگر، یهودیان نیز معتقد به انجام فرایض دینی بودند. آنها انجام این فرایض را بسیار مهم و ضروری می دانستند. اما برای به جا آوردن این واجبات در عبادتگاه زنان را از مردان جدا می کردند. این تفکیک اجباری بود، زیرا یهودیان زنان را مانع برگزاری مراسم دعا می دانستند. آنها از زنان انتظار نداشتند که در مراسم دعاها روزانه شرکت کنند. یهودیان حتی با وجود حضور زنان در عبادتگاه هرگز آنها را لایق حد نصاب برای انجام برخی واجبات محسوب نمی دانستند. یهودیان با توجه به اهمیتی که برای جشن تکلیف پسران قائل بودند در گذشته برای دختران جشن تکلیفی نمی گرفتند. شاید این نگرش از همان ممنوعیت حد نصاب زنان برای انجام پاره ای از واجبات سر چشمه بگیرد. با تأکید یهودیان بر این موضوع که یهودی بودن از مادر به ارث می رسد و اگر مادر یهودی باشد فرزندش نیز از بنی اسرائیل محسوب می شود اما با وجود این حکم، فرزندان را با اسم پدر می خوانند. این موضوع خود جای تحقیق گسترده ای دارد. آیا یهودیان عرق ملی خود را در گرو مادر یهودی داشتن

۱. Scholem

۲. روشنایی، مهمترین اثر عرفانی در آیین قبایلا.

می دانند؟ یا آنها دیانت خود را در گرو این خصوصیت می شمارند؟ با وجود اهمیت این موضوع چرا فرزندان زبا با نام پدر می خوانند؟ نکته قابل تأمل دعای مردان آنهاست که هر روز هم آن را تکرار می کنند؛ که حاکی از اظهار رضایت آنان از آفریده نشدن به عنوان زن است. در برخی متون دینی یهودیان زنی ایده آل است که خواسته های شوهرش را برآورده کند، و باید خواسته های پدر و شوهر را برخواسته های خود ترجیح دهد. بنابر این آنها زنی که برای خواسته های خود پافشاری کند یا بر خلاف امیال پدر و همسرش عمل کند، نمی پذیرند. پدر یا شوهر بر زن یهودی مسلط بوده اما در عین حال آنها از احترام و اقتدار زیادی برخوردار بودند. یهودیان برخلاف اکثر قداما که به هنگام عادت ماهانه زنان را پلید می شمردند و از آنها کناره می گرفتند، این اندیشه را نداشتند، هر چند که آنها نیز در این دوره از زنان جدا می شدند. تورات مقرر کرده که زن باید به مدت هفت روز پس از عادت به لحاظ جنسی دست نیافتنی باشد.

یات آن را منع کرده که بسیاری آن را نمی پذیرند. در رسوم یهودیان زن پس از هفت روز باید در میقوه غسل کند. خانواده در میان قوم یهود از منزلتی بالا برخوردار است. این نهاد مهم در میان یهودیان در فرمان پنجم از ده فرمان، تقدیس شده است. در فرمان هفتم از دواج به عنوان پایه و بنیان خانواده ذکر شده است.

مردان عبری در صورت نازا بودن زن می توانستند چند زن (گاهی چهار زن) برگزینند؛ اما زنان جزء یک مرد نمی توانستند همسر دیگری داشته باشند. در نظر آنان اوج کمال زن با رسیدن به مرحله مادر بودن است. شاید دلیل نگرش آنها به کمال زن در مرحله مادر شدن این باشد؛ که علاوه بر یهودی بودن که از مادر به ارث می رسد افزایش قوم بنی اسرائیل نیز در گرو این خصلت زنانه است. ازدواج در میان یهودیان در زیر حویا با حضور والدین عروس و داماد و برخی اقوام صورت می گیرد. آنها حتی در شادی نیز تخریب و دوری از سرزمین خود را فراموش نمی کنند. با وجود اهمیت زیاد یهودیان در تشکیل و حفظ نظام خانواده، در صورتی که بین زن و مرد سازگاری وجود نداشته باشد، آنها می توانند از هم جدا شده و طلاق بگیرند. طلاق در آیین یهودیان زمانی واقع می شود که مرد یک گت (get) را به همسرش تحویل دهد. گت در واقع نشان دهنده آزادی زن برای ازدواج با هر مردی است که بخواهد. گت را حتماً باید دو شاهد امضا کنند. این سند باید با اختیار طرفین پذیرفته شود اما در عین حال زن می تواند آن را نپذیرد البته زن نمی تواند شوهرش را طلاق دهد و حق طلاق با مرد است. در دوره تلمودی مالکیت زنان بر اموال و دارایی خود، محدود بود و بیشتر به شوهرانشان تعلق داشت تلمود، گرفتن چند همسر را برای مردان یهودی حتی تا چهار زن جایز می داند. ناگفته نماند که این حکم بعداً تغییر کرد و حتی چند همسری تحریم شد. با وجود احترام و موقعیت تقریباً مناسب زنان در میان قوم بنی اسرائیل در میان عارفان یهودی به خصوص در گذشته حتی یک زن عارف وجود ندارد و این خود موضوعی در خور اعتنا و قابل تحقیق می باشد.

منابع

- کتاب مقدس، به همت انجمن پخش کتب مقدسه.
- آرمسترانگ، کرن. (۲۰۰۰). خدانشناسی از ابراهیم تا کنون، ترجمه محسن سپهر. (۱۳۸۳). نشر مرکز، چاپ پنجم، تهران
- بوکر، جان، و ستر دیل. (۲۰۰۳). ادیان جهان، مترجم، سید نیما اورزانی و سیده الهه حسینی. (۱۳۸۹). انتشارات سایه گستر، قزوین.
- آنترن، آلن. (۱۹۹۹). باورها و آیین های یهودی، رضا فرزین. (۱۳۸۵). مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، تهران.
- اپستاین، ایزیدور. (۱۹۳۹). یهودیت، ترجمه ی بهزاد سالکی. (۱۳۸۸). مؤسسه پژوهش حکمت و فلسفه ایران، چاپ دوم، تهران.
- دورانت، ویل، (۱۹۹۲). (b). تاریخ تمدن، مشرق زمین (گاهواره ی تمدن)، مترجمان احمد آرام، ع پاشایی، امید، حسین آریان پور. (۱۳۶۷). ج ۱ چاپ دوم سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- دورانت، ویل، (۱۹۹۲). (a). تاریخ تمدن عصر ایمان، مترجمان ابوطالب صارمی، پاینده ابوالقاسم طاهری. (۱۳۶۸). ج ۴ چاپ دوم، سازمان انتشارات و آموزش انقلابی اسلامی، تهران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). دائرة المعارف، ج ۲۷، تهران.
- سالتر، آدین اشتاین. (۱۹۳۷). سیری در تلمود، مترجم باقر طالبی دارابی. (۱۳۸۳). مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، قم.
- شنکایی، مرضیه. (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی اسمای الهی، سروش، چاپ دوم، تهران.
- شولم، گرشوم. (۱۸۹۷). جریانات بزرگ در عرفان یهودی، ترجمه فریدالدین رادمهر. (۱۳۸۹). نیلوفر، چاپ دوم، تهران.
- کهن، ابراهام. (۱۸۸۷). گنجینه ای از تلمود، مترجم انگلیسی، امیر فریدون گرگانی. (۱۳۸۲). مترجم عبری، یهوشوغ نتن الی، به اهتمام امیرحسین صدوری پور، اساطیر، تهران